

The Capacities of Media Literacy Education in Supporting the Rights of Virtual Citizens

Fatemeh Sadat Hosseini (Ph.D.)¹

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Media literacy education for users, or virtual citizens, is an indispensable necessity for individuals to effectively utilize the global Internet network and its components. A new form of education, which is evident in recent legal documents and approvals of the country, including the resolutions of the Supreme Council of Cyberspace, the Document of Fundamental Transformation, the Charter of Citizenship Rights, and the Plan for Protecting the Rights of Users and Audiences in the virtual space, is observed. The duty of the government to support the right to education, in order to realize the forty-third principle of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, transforms the virtual citizen from a passive consumer to an influential actor in this space. Undergoing continuous and up-to-date educational courses and acquiring sufficient proficiency and skills, especially in times of societal inflammation, provides the necessary insight for the complete utilization of this space by the virtual citizen, ensuring their health and that of others, and ultimately guaranteeing the health of society. This article endeavors to introduce the elements contributing to the effectiveness of this important matter and the widespread role it plays in the positive and influential activities of virtual citizens. The precision of the legislator's consideration in managing and directing the optimal use of media and elevating it to a desirable level, due to the universal use of media in the general sense, is demanded in the legislative realm. It is necessary to clarify that in this research, media includes radio and television broadcasting, as well as virtual networks related to national media programs, which are established and active in line with their objectives and for engaging with audiences.

Keywords: Media Literacy, Virtual Citizen, Education, Virtual Space.

1- Assistant Professor of Department of Law, Refah Faculty, Tehran, Iran
hosseini.fatemesadat@yahoo.com

جایگاه مسئولیت مدنی در تأمین امنیت حقوقی خانواده در فضای مجازی

نوع مقاله: پژوهشی

فاطمه سادات حسینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵

چکیده

اصل امنیت حقوقی از اصول مهم حقوق عمومی و به دنبال برقراری حس امنیت و آرامش در شهروندان جامعه است. مردم اگر بدانند تکالیف قانونی‌شان به چه ترتیب است و اگر آن را نقض کنند چه ضمانت اجرایی بر آن مترتب خواهد بود، احساس آرامش خواهند کرد. همچنین آنگاه که در حمایت دولت از منافع و حقوقشان تردید ندارند، احساس امنیت خواهند نمود. در این صورت است که چهارچوب‌های حقوقی و حقوق و تکالیف افراد مشخص بوده و شهروندان یک جامعه احساس امنیت می‌کنند. مسئولیت مدنی یکی از ابزارهای مهم در تأمین امنیت حقوقی در جامعه می‌تواند به شمار رود به این ترتیب که اگر مردم بدانند در صورت ورود زیان به ایشان نظام حقوقی رویکرد جبرانی دارد هم احساس امنیت می‌کنند و هم بزرگسالان مراقب رفتارهای خود خواهند بود و در اعمالشان مواظبت متعارف می‌نمایند. این مهم در حوزه فضای مجازی و خسارات به بارآمده از آن بیشتر مثمر خواهد بود.

واژگان کلیدی

امنیت حقوقی، مسئولیت مدنی، زیان، فضای مجازی، خانواده.

۱- استادیار گروه حقوق دانشکده رفاه، تهران، ایران.

مقدمه

آگاهی شهروندان یک جامعه از حقوق و تکالیف قانونی‌شان و مشخص بودن ضمانت اجرای تخلف از این قوانین از مصادیق رعایت حقوق شهروندی و تأمین امنیت حقوقی اعضای اجتماع و به علاوه، تضمین‌کننده کیفیت قوانین است (ویژه، ۱۳۹۰، ص. ۹۶). امنیت حقوقی از اصول مهم حقوق عمومی حاکم بر نظام‌های حقوقی است و با حمایت دائمی از حقوق و آزادی‌های شهروندان از جمله اعضای خانواده اعتماد مردم به نظام حقوقی را فراهم می‌کند. درحقیقت اصل امنیت حقوقی مجموعه‌ای از اصول فرعی است که غایت مشترک همه آنها، حمایت از حقوق مکتسبه شهروندان، به ویژه در برابر حاکمیت است. اگر امنیت حقوقی محقق گردد، آسودگی خاطر و احساس امنیت در حقوق و اموال ایجاد شده و اعتماد مردم به حاکمیت را مضاعف می‌کند (توکلی، ۱۳۹۱، ص. ۱). امنیت مزبور در حوزه‌های مختلف نظام حقوقی قاعده‌سازی کرده تا در زمینه‌های مختلف شهروندان به نظام حقوقی و قوانین موجود اعتماد داشته باشند (فیض و خدانی، ۱۳۹۹؛ پروین و فرامرزی، ۱۳۹۹؛ قنبری جهرمی و عبداللّهی، ۱۴۰۰؛ ۱۹۱).

نظام حقوقی مسئولیت مدنی با توجه به رسالتی که در جبران خسارت‌های وارده بر زیان‌دیدگان دارد در حوزه‌های مختلف به مردم آرامش‌خاطر می‌دهد که نگران ورود زیان نباشند؛ چراکه اگر زیانی وارد شد قطعاً به‌صورت کامل جبران خواهد شد و بعلاوه بداندیشان و حتی بی‌احتیاطان می‌دانند که نمی‌توانند از نتیجه عمل خود بگریزند و همین قابلیت پیش‌بینی به آنها کمک می‌کند رفتارشان را مدیریت نمایند. از این حیث است که مسئولیت مدنی جایگاه مهمی در تأمین امنیت حقوقی شهروندان دارد.

ازسوی دیگر، امنیت حقوقی خانواده به‌دلیل اهمیت نهاد خانواده از موضوع‌های اساسی است که باید با توجه به جایگاه خانواده و نقش اخلاق و مصلحت در آن به‌گونه‌ای تبیین شود که کارایی قوانین و همچنین تفسیر قوانین منجر به تأمین حد اعلای مصلحت شود و اعضای خانواده با اعتماد به قانون و حمایت‌های آن احساس امنیت و آرامش کنند. تأمین امنیت حقوقی خانواده در حوزه فضای مجازی به‌دلیل ماهیت آن اهمیت مضاعف دارد و به‌دلیل فقدان قوانین جامع در این رابطه تأثیر مسئولیت مدنی در جبران خسارت‌های وارد

بر خانواده و جایگاه آن در تأمین امنیت حقوقی موضوع قابل بحثی است که در این مقاله موضوع سخن خواهد بود.

به این منظور ابتدا امنیت حقوقی و تأثیر آن بر خانواده و سپس ویژگی‌های فضای مجازی و ضرورت تأمین امنیت حقوقی آن مطالعه می‌شود و در نهایت به نقش مسئولیت مدنی در تأمین امنیت مزبور می‌پردازیم.

۱- امنیت حقوقی

مقوله امنیت از موضوع‌های بسیار مهم است و به‌حالتی گفته می‌شود که شخص از نظر روحی و جسمی در ابعاد مختلف بیم‌وهراسی نداشته باشد. امنیت، اطمینان‌خاطری است که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم‌وهراسی نداشته باشند (هاشمی، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۱). امروزه اساسی‌ترین هدف دولت‌ها در عرصه داخلی و بین‌المللی، برقراری امنیت است. در گذشته امنیت بیشتر حالت سخت‌افزاری داشت؛ اما خارج‌شدن امنیت از فاز سخت‌افزاری و مطرح‌شدن آن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، محیط‌زیستی و ... امنیت حقوقی را مطرح نمود (موسوی و موسوی‌فر، ۱۴۰۰، ص. ۴۸۴).

از بعد حقوقی هم امنیت قابل طرح است، به این معنا که نظام حقوقی مکلف است ترتیباتی اتخاذ کند تا افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی در برابر اعمال دولت مصونیت داشته باشند و حقوقشان حفظ شود. برقراری امنیت حقوقی در برابر اقتدار عالی دولت از دو نظر قابل بررسی است؛ یکی عدم تعرض دولت به حقوق ملت و قانونمند بودن اعمال کارگزاران و مجریان و همه ارکان تقنینی، اجرایی و قضائی کشور در مواجهه با مردم است و دیگری، حمایت دولت از حقوق ملت است به شکلی که مردم از حمایت مقتدرانه دولت در محافظت از حقوقشان مطمئن باشند و بدانند تجاوز به حقوق و عدم انجام تکالیف قانونی بی‌نتیجه نخواهد ماند (توکلی، ۱۳۹۱، ص. ۸).

امنیت حقوقی به‌عنوان یک اصل، کارکرد هنجاری ویژه‌ای داشته و به توجیه و توسعه کارآمد قوانین می‌پردازد. امنیت حقوقی، اصلی است که سبب پایداری نظم حقوقی و

تضمین‌گر حقوق بشر و امنیت اجتماعی است و امروزه به اصلی الهام‌بخش تبدیل شده و قانون‌گذاران معاصر با برقراری توازن بین وظایف و آزادی‌ها، اصل امنیت حقوقی را لحاظ نموده‌اند (موسوی و موسوی‌فر، ۱۴۰۰، ص ۴۸۵).

امنیت حقوقی به معنای ثبوت و قابلیت پیش‌بینی در عکس‌العمل‌هاست؛ امنیت مانند عدالت رو به بیرون دارد و متوجه دیگری است، یعنی با توجه به بینش خاص آن اجتماع نسبت به تحولات اجتماعی تنظیم و تعبیر می‌شود. به عبارتی امنیت و عدالت در ارزش‌های خارج از نظام حقوقی ریشه دارد؛ اما به حقوق معطوف است. امنیت حقوقی با تعبیری دقیق‌تر در قالب اصل قطعیت حقوقی از پایه‌های اساسی حکومت قانون در نظام حقوقی است (موسوی و موسوی‌فر، ۱۴۰۰، ص ۶۵۱).

در حقیقت انسان وقتی بداند قواعد ثابتی بر روابط او و دیگران حاکم است و پیشاپیش، حقوق و تکالیف خود و همچنین نتیجه اعمال خود را بداند، با پیش‌بینی درست، رفتار خود را مدیریت می‌کند. عدم تغییر مداوم و بی‌بهباه این قوانین ثابت، زندگی شهروندان را قابل برنامه‌ریزی کرده و ایشان را از سردرگمی و نگرانی می‌رهاند. مهم‌تر از این موارد، برداشت‌های واحد نظام قضائی از قوانین و سلیقه‌ای اعمال نکردن قواعد مزبور اجرای عدالت را برای مردم در دسترس قرار داده و به آنها احساس امنیت می‌دهد (توکلی، ۱۳۹۱، ص ۹). با این حال اصل امنیت حقوقی این قابلیت را دارد که برای حفظ ثبات روابط حقوق اجتماعی، در موارد ضروری حق‌ها و آزادی‌های فردی را محدود نماید و تکالیف شهروندان را افزایش دهد (ویژه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸). پس تنها محدودیت وارد بر اصل امنیت حقوقی نفع عمومی در برخورد با نفع شخصی افراد است؛ بنابراین طبیعی است که اگر میان حقوق اشخاص و مصلحت جامعه تضادی به وجود آمد نفع عمومی و مصلحت کشور مقدم بر امنیت حقوقی تک‌تک افراد خواهد بود (بند ۸ اصل ۱۱۰ و اصل ۱۱۲) (توکلی، ۱۳۹۱، ص ۶۲).

نظام‌های حقوقی، مجموعه‌ای از هنجارهای ثابت نیستند که حاکم بر روابط شهروندان و دولت باشند بلکه این هنجارها در چهارچوبی منسجم، همواره پویا هستند و گسترش می‌یابند؛ اما بدیهی است که این پویایی با توجه به کارکرد هنجارهای حقوقی تعریف می‌شود که بی‌گمان یکی از این کارکردهای ثبات روابط حقوقی شهروندان و دولت است (ویژه، ۱۳۹۰، ص ۹۶).

۲- امنیت حقوقی خانواده

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «... خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد یابنده انسان است، اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است...»؛ همچنین در اصل دهم تصریح شده است «از آنجاکه خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». در اصل بیست‌ویکم نیز تدابیری نظیر تأسیس دادگاه خانواده برای رعایت مصلحت خانواده اتخاذ شده است.

اصول قانون اساسی به‌ویژه اصولی که در فصل اول قانون اساسی آمده نماینده ارزش‌ها و منبعث از مبانی عقلی و فکری حاکم بر قانون اساسی بوده و به‌منزله مرجعیت هنجاری و فهم و تفسیر سایر اصول و روح حاکم بر قانون اساسی قلمداد می‌شود. اصل دهم، خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی و مقدس دانسته است و الزام‌هایی را نسبت به تشکیل و پایداری نهاد خانواده و حفظ قداست آن متوجه تمام سطوح حکمرانی کرده است. این اصل ضمن آنکه به‌عنوان یک هنجار قانون اساسی به‌خودی‌خود در شناسایی جایگاه خانواده اهمیت دارد از آن جهت که منابع و هنجارهای حقوقی فراوان دیگری در قالب سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام، قوانین عادی، ساختارها و سازوکارها از آن منبعث می‌شود، اهمیتی مضاعف می‌یابد (ویژه، ۱۳۹۵، ص. ۵).

بنابراین در همه قانون‌گذاری‌ها و نیز در اجرای قوانین مصوبه باید به جایگاه خانواده توجه ویژه نمود و حفاظت از این نهاد را فراموش نکرد؛ بنابراین قانون‌گذار و سیستم قضائی برای تنظیم روابط اعضای خانواده و تعیین حقوق و تکالیفشان باید به نوع روابط اعضا و ویژگی‌های منحصر به فرد خانواده و تعامل‌های این نهاد با سایرین توجه داشته باشند تا قانون مربوطه کارایی لازم را داشته و از سستی نهاد خانواده اجتناب شود. درحقیقت خصوصیات خاص خانواده موجب می‌شود که اجرای قواعد و تضمین‌های

حقوقی برای احقاق حقوق اعضا و اجرای عدالت، مطلوب نهایی قلمداد نشود بلکه تلاش برای حفظ خانواده مهم‌ترین مصلحت و ملاک عمل است و در اجرای قواعد و اعمال تضمین‌ها هم هدف نهایی حفظ مصلحت است (اسدی و نبیجی، ۱۳۹۴).

مبانی حقوقی امنیت حقوقی خانواده را می‌توان از دو محور اساسی مطرح نمود که هر دو نیز از زوایای خاص قابل دفاع می‌باشد؛ برقراری عدالت و دولت. امنیت حقوقی به‌عنوان یکی از اصول تضمین‌کننده دولت حقوقی از اهمیت بسزایی برخوردار است و خانواده نیز به‌عنوان بخشی از جامعه نمی‌تواند از این امنیت حقوقی بی‌بهره باشد و خود ملاک و محک سنجش یک دولت حقوقی در نظر گرفته می‌شود و اعمال عدالتی هم اگر صورت پذیرد توسط دولت حقوقی و در چهارچوب‌ها آن خواهد بود (ویژه، ۱۳۹۵، صص ۷۳-۷۴).

از این‌رو امنیت حقوقی خانواده را می‌توان مجموع تدابیر حمایتی از حقوق و آزادی‌های خانواده مورد واکاوی قرار داد. خانواده به‌عنوان یک گروه اجتماعی و به‌واسطه اثرگذاری و اثرپذیری مستقیم در تعامل خود با جامعه ضرورتاً باید از حقوق خاص و معطوف به ماهیت و کارکردهای آن برخوردار گردد و از سوی دیگر افراد به‌واسطه عضویت خود در خانواده از حقوق شهروندی خاص نیز برخوردار گردند که مجموع آنها امنیت حقوقی خانواده را تشکیل می‌دهد؛ به‌عنوان مثال حمایت از کودکان درمقابل خشونت‌های خانگی و یا حمایت از کودکان بدسرپرست، اعطای مرخصی زایمان به مادران، برخورداری از تسهیلات نگهداری و مراقبت از کودکان دارای والدین شاغل می‌تواند از جمله مصادیق این حقوق قلمداد شود (ویژه، ۱۳۹۵، ص ۷۶).

بنابر آنچه گفته شد برای برقراری مفهوم امنیت حقوقی خانواده در فضای مجازی هر دو بعد قانون‌گذاری و ساختار قضائی موثر هستند. برای امنیت قانون‌گذاری باید سعی شود مرجع واحد، ضوابط خاص و استوار در تصمیم‌ها داشته باشد و تلاش شود با تجمیع قوانین و ارائه قانون جامع در حوزه فضای مجازی به‌ویژه در ارتباط با خانواده ضمن جلوگیری از تشتت آراء، ابعاد مختلف از جمله مسئولیت مدنی روشن شود. از سوی دیگر در اجرای قوانین موجود و به‌ویژه در شرایط خلأ قانونی لازم است نظام قضائی با بهره‌مندی از سازوکارهای موجود سعی در برقراری امنیت قضائی نماید (روشن، ۱۴۰۰، صص ۶۲۴ و ۶۲۶).

۳- فضای مجازی و خانواده

در دهه‌های اخیر اینترنت توانسته است جایگاه ویژه‌ای را در جهان به خود اختصاص دهد و تقریباً تمامی انسان‌ها را با فضای مجازی درگیر نماید. بسیاری از فعالیت‌های روزمره انسان‌ها با اینترنت و فضای سایبری^۱ گره خورده است (مسعودیان، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۴). امروزه فضای مجازی به بخش تفکیک‌ناپذیری از زندگی انسان‌ها تبدیل شده و تمام شئون زیست بشر را تحت تأثیر قرار داده است. این فضا که مظهر نوظهوری در زندگی انسان است، محصول عملکرد شبکه جهانی اینترنت و امکان‌پذیر نمودن گردآوری، تمرکز، جابه‌جایی، پردازش و کاربری اطلاعات با استفاده از فناوری اطلاعات بین کاربران اینترنت و بازیگران فضای مجازی در سراسر جهان است (صیاد، امینی و طاهری، ۱۳۹۹، صص. ۲۵۲-۲۵۳).

در حقیقت فضای مجازی مجموعه‌ای از ارتباطات درونی میان انسان‌ها از طریق رایانه و وسایل مخابراتی بدون ملاحظه جغرافیای فیزیکی است. فضای مجازی فضایی است که در آن فعالیت‌های مختلف در ابعاد داده‌ورزی و اطلاع‌رسانی، ارتباطات و ارائه خدمات، مدیریت و کنترل از طریق سازوکارهای الکترونیکی و مجازی صورت می‌پذیرد. مهم‌ترین مشخصه‌های این فضا عبارت‌اند از: هزینه پایین ورود، گمنامی، نامتقارن بودن در آسیب‌پذیری، جهانی و فرامرزی بودن، دسترسی دائم و آسان به آخرین اطلاعات، جذابیت و تنوع، عدم وابستگی به زمان و مکان خاص، چندرسانه‌ای بودن، سهولت تعامل و تبادل اطلاعات با دیگران و سرعت بالای تبادل اطلاعات (خلیل‌پور چالیکسری، ۱۳۹۹، صص. ۱۶۴-۱۶۳).

رویارویی آحاد جامعه با این فضا مسائل متعددی را ایجاد می‌کند که متأسفانه جز موارد معدودی از جرم‌انگاری در قوانینی نظیر قانون جرایم رایانه‌ای و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مباحث پراکنده در حوزه‌های مختلف حقوقی نظیر تجارت الکترونیک

۱- فضای سایبری محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به‌شیوه‌ای سریع و فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص، زنده و مستقیم روی می‌دهد و از ویژگی‌های آن جهانی، فرامرزی بودن و دستیابی آسان به آخرین اطلاعات می‌باشد.

و ادله اثبات دعوا، قانون جامع و کاملی ملاحظه نمی‌گردد. با توجه به فقدان قانون مشخص در این زمینه و با توجه به گستردگی مسائل مبتلابه، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان خسارت‌های وارد در این فضا را جبران نمود. نظر به اهمیت نهاد خانواده، مطالعه این مقاله صرفاً به خسارت‌های وارد بر خانواده و اعضای آن در فضای مجازی و ارتباط آن با امنیت حقوقی خانواده منحصر می‌گردد. از آنجاکه رسالت جبران خسارت‌ها بر دوش نظام مسئولیت مدنی است، لازم است در این باره سخن گفته شود.

۴- جایگاه مسئولیت مدنی در تأمین امنیت حقوقی خانواده در فضای مجازی

مسئولیت مدنی عبارت است از تکلیف شخص به جبران زیانی که بر اثر عملی نامشروع به دیگری وارد شده است (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵). اگرچه قانون‌گذار در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی قواعد عامی از مسئولیت مدنی به‌دست داده است و در قوانین خاصی نظیر قانون بیمه اجباری خسارت‌های واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ یا قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ سعی در مشخص کردن حدود و ثغور این مسئولیت داشته است؛ لیکن به دلیل ماهیت متنوع خسارت‌ها و عدم امکان احصاء موارد مسئولیت مدنی و همچنین کندی همگامی نظام حقوقی با نیازهای جامعه خلأهای فراوانی در این زمینه مشاهده می‌شود؛ برای مثال اگر در فضای مجازی اقدام‌هایی (خواه جرم باشد یا نباشد) صورت گیرد و خسارت‌هایی بر خانواده وارد آید، قانون مشخصی برای جبران وجود ندارد جز آنکه به قواعد عمومی مسئولیت مدنی متمسک شویم، ارکان زیان را اثبات کنیم و آنگاه جبران خسارت را از عامل زیان مطالبه نماییم؛ بنابراین اگرچه ویژگی‌ها و اقتضائات فضای مجازی به کل متفاوت از فضای واقعی است؛ اما با توجه به فقدان نص خاص و قانون مشخص در این باره به‌نظر می‌رسد که قواعد نظام مسئولیت مدنی در این فضا همان قواعد عام مسئولیت است که نتیجه آن اگرچه جبران خسارت‌هاست؛ اما طبیعتاً به اندازه قواعد خاص در همین زمینه نمی‌تواند امنیت‌بخش باشد (ملکوتی و خلیل‌زاده، ۱۴۰۱، ص. ۹۳).

آنچه به دنبال اثبات آنیم این است که قواعد مسئولیت مدنی و اجرای آن در خسارت‌های فضای مجازی در تأمین امنیت حقوقی خانواده بسیار کارساز است و اگرچه قوانین مشخصی در این حوزه وجود ندارد؛ لیکن ضرورت جبران خسارت‌های مالی و معنوی و حکم به جبران خسارت از سوی مراجع قضائی می‌تواند در کنترل رفتار افراد در این فضا توسط خودشان و نیز کنترل متصدیان این حوزه برای مشمول عنوان تسبیب نشدن، منجر به کاهش رفتارهای زیان‌بار گردد و از سوی دیگر در صورت وقوع زیان امکان جبران خسارت برای ترمیم زیان یا تسلی زیان‌دیده اثربخش خواهد بود.

۵- مبانی تأمین امنیت حقوقی توسط نظام مسئولیت مدنی

نکته قابل ملاحظه در پذیرش آنچه نظام مسئولیت مدنی می‌تواند تأمین‌کننده امنیت حقوقی خانواده‌ها در فضای مجازی باشد، این است که با چه مبانی این نظریه توجیه می‌شود؛ زیرا آگاهی افراد نسبت به حاصل حقوقی رفتارشان خود از معیارهای امنیت حقوقی است و ممکن است نامعلوم بودن چگونگی جبران خطا یا تلقی تقصیر، افراد را با وضع مبهمی مواجه کند. با این حال به نظر می‌رسد ضرورت احترام به حقوق دیگران و رعایت رفتار متعارف در ارتباط با دیگران از مهم‌ترین مصالح است و از این رو زیان‌زننده به دیگران نباید به دلیل نامعلوم بودن شیوه جبران یا میزان غرامت در امان بماند.

۱-۵- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از قواعد معروف فقه اسلامی است که مستندهای فراوانی از قرآن، سنت و اجماع دارد و از قواعد پرکاربرد فقه اسلامی است (بجنوردی، ۱۴۰۱، صص. ۲۴۸-۲۵۲). گفته شده «ضرر عبارت است از هر نقصان در مال یا آبرو یا جان فرد دیگر، ولی در مورد نفس و مال کلمه ضرر استعمال می‌شود؛ اما در مورد فقدان احترام و آبرو، کلمه ضرر کمتر استعمال می‌شود. کلمه ضرر نیز مبین امکان ورود ضرر بر دو جانب است، بر خلاف ضرر که همیشه از یک طرف علیه طرف دیگر وارد می‌شود» (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، صص. ۱۴۰-۱۴۱)؛ بنابراین چنانچه حکمی از احکام شرعی در اجرا متضمن ضرر یا ضرار شود آن حکم اجرا نخواهد شد.

راجع به قاعده لاضرر در ابعاد مختلف سخن فراوان است و این نوشتار مجال تفصیل این قاعده نیست. آنچه مورد مطالعه این پژوهش است تأثیر مسئولیت مدنی در امنیت حقوقی خانواده در فضای مجازی بوده و لاضرر به عنوان مبنای این اثرگذاری اجمالاً مطالعه می‌شود.

با توجه به جایگاه قاعده لاضرر در قواعد فقهی می‌دانیم که این قاعده بر احکام اولیه از باب حکومت مقدم است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰) و از مبنای مهم مسئولیت مدنی و ضمان قهری به حساب می‌آید؛ بنابراین در حوزه‌های جدید نظیر آسیب‌هایی که در فضای مجازی برای اعضای خانواده اتفاق می‌افتد نیز از حکومت این قاعده و ضرورت جبران خسارت می‌توانیم بهره ببریم.

از جمله مباحث بحث‌برانگیز حوزه لاضرر که در موضوع ما نیز می‌تواند مورد ایراد قرار گیرد، جنبه اثباتی این قاعده است. اجرای این قاعده در احکام وجودی مورد تردید نیست و هرگاه از یکی از احکام وجودی شریعت ضرری برای مکلفان به وجود آید، حکم مذکور با قاعده لاضرر برداشته می‌شود؛ اما در اجرای قاعده لاضرر در احکام عدمی تردید وجود دارد (بادینی و مؤمن، ۱۳۹۲، ص. ۲۰).

با این حال به چند طریق می‌توان استدلال نمود که این قاعده در احکام عدمی هم راه‌گشاست. یک راهکار توجه به معنای ضرر است. ضرر علی‌رغم تعاریفی که فقها از آن ارائه داده‌اند یک مفهوم حقیقت شرعی نیست و به نظر می‌رسد نباید به معنای عرفی ضرر و ضرار بی‌توجه باشیم. اگر برای فهم عبارت ضرر و زیان به عرف مراجعه کنیم، به نظر می‌رسد در اعمال قاعده لاضرر در همه مصادیق مورد تردید مشکلی به وجود نیاید (میرشکاری، حسینی و صمدی، ۱۴۰۰)؛ بعلاوه اگر به دلیل عقل در اثبات قاعده لاضرر توجه کنیم مشکل مذکور مرتفع می‌شود؛ با این توضیح که در بحث اضرار به دیگران، مراجعه به عقل دو حکم فراروی ما قرار می‌دهد: حرمت اضرار به غیر و وجوب تدارک ضرر در صورت ورود زیان از سوی واردکننده زیان. «حکم نخست به این ترتیب از طریق عقل اکتشاف می‌شود که: اضرار به دیگران بدون مجوز عقلاً قبیح بوده و ترک آن لازم است (صغری). هر آنچه عقلاً قبیح بوده و ترکش لازم باشد، به حکم ملازمه بین حکم عقل و شرع، از نظر

شرع مقدس حرام است (کبری)؛ پس اضرار به دیگران بدون مجوز شرعاً حرام است (نتیجه). به همین قیاس، حکم دوم (وجوب شرعی تدارک زیان از سوی واردکننده آن) نیز استکشاف می‌شود. به این ترتیب که در صورت ورود زیان تدارک آن بر واردکننده زیان عقلاً لازم است (صغری). هر آنچه عقلاً لازم باشد شرعاً واجب است (کبری). پس تدارک زیان از سوی واردکننده زیان شرعاً واجب است (نتیجه). این استدلال بر این پایه استوار است که عدم تدارک ضرر، نوعی ظلم بوده و ظلم عقلاً قبیح است. هر آنچه عقلاً قبیح باشد شرعاً حرام است و هر چه حرام است (عدم تدارک)، ترکش واجب خواهد بود؛ بنابراین ترک عدم تدارک (تدارک) شرعاً واجب است» (یادینی، ۱۳۹۲، صص. ۲۰-۲۱).

به هر حال در شرایطی که قانون‌گذار نتوانسته قوانین مدونی برای جبران آسیب‌های فضای مجازی به طور خاص مقرر کند، نظام عام قانون مدنی باید بتواند زمینه جبران خسارت را فراهم کند تا افراد جامعه به ویژه خانواده و اعضای آن احساس امنیت کنند که نظام حقوقی از آنان در مقابل زیان‌های متنوع وارده حمایت می‌کند.

۲-۵- قاعده عدل و انصاف

واژه عدالت در لغت به مساوات، ضد جور، عدم افراط و تفریط، دادگری و شریک قائل شدن و برابر گرفتن تعریف شده است. عدل و به تبع آن عدالت، یکی از اسماء و صفات الهی است و عموماً در عبارت‌های فقهی عدل و عدالت در مقابل فسق قرار دارد و مراد از آن همان ویژگی‌های فردی است که آدمی را شایسته احراز برخی از مناصب و وضعیت‌ها می‌سازد؛ البته لغت‌پژوهان عدل را در مقابل ظلم قرار می‌دهند (سلطانی، ۱۴۰۱، صص. ۷۹-۸۰). در عالم حقوق، عدالت والاترین ارزش انسانی و از آرمان‌های حقوق است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص. ۳۲۴). عدالت در کلام شارع و حتی متشرعه در همان معنای استقامت و استواری استفاده شده و اختلاف در متعلق آن است. یعنی در کاربرد مطلق عدالت اختلاف است که آیا متعلق آن صرف افعال و ترک افعال است (استقامت فعلی) یا متعلق آن کیفیت نفسانی است. به نظر می‌رسد عدالت حقیقت شرعیه ندارد (اسحاقی؛ حاجی‌علی و نفر، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۳). انصاف واژه‌ای عربی و در لغت فارسی به معنای عدل و داد کردن است (اسحاقی؛

حاجی‌علی و نفر، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۳). در مفهوم حقوقی، انصاف متشکل از مجموعه‌ای از اصول است که سختی قواعد را تلطیف می‌کند؛ درحقیقت با توجه به آنکه قانون در ابتدا به اعمال کلی قواعد مربوط می‌شود و فضای کمی برای تغییر در قضایای مختلف ایجاد می‌کند، انصاف تلاش می‌کند این سختی قانون را از طریق اعمال منصفانه به عدالت که ریشه قانون هم هست نزدیک‌تر کند. در این مفهوم انصاف مجموعه‌ای از اصول است که جدای از قواعد کلی، گاهی قواعد و قوانین را تکمیل می‌کند یا جایگزین می‌شود؛ بنابراین انصاف بیشتر در مرحله اجرا اهمیت می‌یابد؛ گاه در تفسیر قانون، گاه در تکمیل خلأ قانون و گاه حتی به جای قانون اعمال می‌شود (محبی و امینی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰).

انصاف از قواعد غیرمصرح فقهی است که رد پایش را در بسیاری از احکام فقهی می‌توان ملاحظه نمود. مراد از انصاف، به‌کارگیری وجدان و عقل سلیم و لحاظ کردن شرایط و اوضاع و احوال است و به‌همین دلیل انصاف از عدالت فراگیرتر است، به این نحو که ممکن است گاهی با لحاظ جوانب امر این امکان وجود داشته باشد که حکم مبتنی بر انصاف حکم مبتنی بر عدالت قضائی را نقض یا محدود نماید. پس می‌توان آن را قاعده‌ای دانست که به‌جهت متکی بودن بر اصول عالی و برتر اخلاقی، این توانایی را دارد که قواعد فقهی حقوقی رایج را تعدیل یا لغو کند؛ البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که محدوده قاعده انصاف به‌قدری است که به اجرای عدالت کمک کند و این به‌بهرت و عادلانه‌تر شدن احکام و ضوابط حقوقی می‌انجامد؛ بنابراین در نظام فقهی و حقوقی ما افزون بر قواعد عدالت که در مواردی خشک و غیرقابل انعطاف هستند، قواعد انصاف نیز جریان دارند که احکام با توجه به شرایط اعمال شوند. اصولی مانند لاضرر، لاجرح و اضطرار زمینه را برای اجرای منصفانه قواعد و احکام فراهم می‌کنند (سلطانی، ۱۴۰۱، صص. ۸۱-۸۲).

در فقه اسلامی قاعده‌ای با عنوان عدل و انصاف مطرح می‌شود که بیشتر در آثار فقیهان متأخر و در میان مباحث مختلف مشاهده می‌شود. موافقان این قاعده در ابوابی نظیر اموال و با شرایطی این قاعده را قابل اجرا می‌دانند. به‌نظر می‌رسد قاعده عدل و انصاف، قاعده‌ای مستند به سیره عقلا و روایات معتبری است که دلیل بر تأیید سیره مذکور توسط شارع است و این قاعده را به‌عنوان قاعده‌ای عقلایی توجیه می‌کند. مورد

اجرای این قاعده جایی است که حقی قابل اشتراک، مردد و مشتبه میان چند طرف باشد که همه در وضعیت یکسانی نسبت به آن حق قرار دارند و ترجیح یک طرف نسبت به حق مذکور، امکان‌پذیر نیست (قراملکی و دادخواه، ۱۳۹۲، صص ۱۱۴ و ۱۱۷).

در موضوع مورد بحث نیز قاعده انصاف راهگشاست؛ در فضای سایبری و مجازی که قوانین مدونی هم برای جبران خسارت‌های ناشی از آن فراهم نشده، ضروری است با اقدام‌هایی افراد را وادار به محافظت از رفتارهای خود کنیم. ضرورت جبران خسارت در این فضا و به‌ویژه با سخت‌گیری در جبران خسارات وارد بر خانواده می‌توان این بازدارندگی را ایجاد کرد. قواعد انصاف در این حوزه بسیار اثرگذار است و در کم‌وکیف جبران و روش‌های آن کمک شایانی به استقرار عدالت خواهد نمود. به‌ویژه آنکه نظام مسئولیت مدنی خود در اجرای انصاف نقش پررنگی دارد و هم در گزینش مبنا و هم در آثار اقتضاء اجرای انصاف را دارد (بادینی و اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

۳-۵- قاعده اتلاف و تسبیب

در خصوص اتلاف و تسبیب کتاب‌ها و مقال‌های متعددی سخن گفته‌اند و به‌همین دلیل اجمالاً به ارتباط این قواعد با موضوع پژوهش حاضر می‌پردازیم. قاعده اتلاف از قواعد مشهور فقهی است که بیانگر آن است که هر کس مال دیگری را بدون اجازه او تلف یا مصرف کند و یا مورد بهره‌برداری قرار دهد، ضامن آن مال خواهد بود. اتلاف مال به‌معنای از بین بردن مال و نابودی آن است. نابودکردن مال گاهی متعلق به ذات مال است و گاهی متعلق به مالیت شیء با برجاماندن ذات آن. منظور از ضمانت در این قاعده آن است که آنچه تلف شده بر عهده تلف‌کننده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، صص ۷، ۳ و ۱۰).

تسبیب هم گرچه درحقیقت نوعی اتلاف است؛ اما به‌عنوان قاعده مستقل هم مطرح شده است. در اتلاف شخص مستقیماً و بالمباشرة باعث اتلاف مالی می‌گردد؛ ولی در تسبیب، عمل مسبب مع‌الواسطه سبب می‌شود که مال غیر از بین برود. در تسبیب، عمل شخص مستقیماً و مبادرتاً مال دیگری را از بین نمی‌برد بلکه رابطه بین عمل شخص و تلف مال به این‌گونه است که اگر آن عمل واقع نشود تلف مال نیز واقع نمی‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص ۱۱۷).

این دو قاعده از قواعد مهم و پرکاربردی است که در ضمان قهری و مسئولیت مدنی استفاده می‌شود. در خسارت‌هایی که در فضای مجازی بر خانواده و اعضای آن بار می‌شود نیز قابل استفاده است؛ بنابراین اگر کسی در بستر فضای مجازی باعث اتلاف مال دیگری شود مکلف به جبران است و این امنیت حقوقی را بیشتر تأمین می‌کند. گفتنی است به دلیل ماهیت فضای مجازی بیش از اتلاف با تسبیب مواجه خواهیم بود.

۴-۵- قاعده غرور

قاعده غرور از مبانی مسئولیت مدنی است به این معنا که اگر فردی، دیگری را فریب دهد و در نتیجه این اقدام زیانی به مغرور برسد، باید آن را جبران کند. اعمال قاعده غرور مستلزم وقوع قطعی ضرر است (میرهاشمی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۳).

در عرصه کنونی جوامع و به‌ویژه در فضای مجازی با شرایط خاصی که دارد و به‌طور کلی ارتباط با هم‌نوعان لازم است صداقت جاری بوده و ارتباطات انسانی عاری از فریبندگی باشد؛ بنابراین در عرصه فضای مجازی با اعمال این قاعده خسارت‌های وارد بر خانواده و اعضای آن قابل جبران خواهد بود. در این فضا همچون فضای واقعی، هر کس دیگری را بفریبد و از این طریق خسارتی وارد آید به استناد قاعده غرور، باید جبران خسارت کند.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد به موضوع امنیت حقوقی شهروندان در جامعه و تأثیری که مسئولیت مدنی در برقراری این امنیت دارد پرداخته شود. مسئولیت مدنی در پی جبران خسارت‌های ناروای وارد بر افراد جامعه است و طبیعتاً آنگاه که نظام حقوقی در یک جامعه اجازه ایراد خسارت به افراد ندهد و در صورت وقوع خسارت هم برای جبران آن تدبیر کند، حد اعلائی از امنیت حقوقی در جامعه به‌وجود می‌آید. از یک‌سو شهروندان آسوده‌خاطرند که اگر خسارتی ببینند قابل جبران است و ضمناً می‌دانند اگر خسارتی بزنند قابل تعقیب است و از این‌رو احتیاط متعارف می‌کنند. با توجه به این محاسن، به‌نظر می‌رسد لازم است به این نقش در حوزه فضای مجازی که در خلأ قوانین و مقررات جامع

است، توجه ویژه شود. در این فضا نیز هر شخص حقیقی یا حقوقی مسئول جبران خسارت‌هایی که وارد می‌آورد، خواهد بود. موضوع خاص این مطالعه اعمال مسئولیت مدنی در فضای مجازی در ارتباط با خانواده به لحاظ ویژگی‌های خاص آن بود که به جهت مصلحت خانواده، جبران خسارت اعضای آن با دقت و سخت‌گیری بیشتر پذیرفته و مورد قبول قرار می‌گیرد.

منابع و مأخذ

- اسحاقی، محمد؛ حاجی‌علی، فریبا و نفر، زینب (۱۳۹۹). کاربرد انصاف در فقه خانواده، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۸۸، صص. ۱۴۲-۲۲۱.
- اسدی، لیلاسادات و ذبیحی، عاطفه (۱۳۹۴). جایگاه و ضرورت اخلاق‌محوری در تقنین قوانین و مقررات مربوط به خانواده، *پژوهش‌نامه اخلاق*، شماره ۲۷، صص. ۱۵۸-۱۴۱.
- بادینی، حسن و اسلامی‌فارسانی، علی (۱۳۹۲). نقش انصاف در مسئولیت مدنی، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۷، شماره ۳، صص. ۴۵-۲۵.
- بادینی، حسن و مؤمن، خسرو (۱۳۹۲). رویکردی نو برای اثبات جریان قاعده لاضرر در احکام عدمی در زمینه مسئولیت مدنی، *فصلنامه حقوق*، دوره ۴۳، شماره ۳، صص. ۳۱-۱۹.
- پروین، خیرالله و فرامرزی، رضا (۱۳۹۹). تنقیح قوانین و مقررات گامی در تضمین اصل امنیت حقوقی، *دانش حقوق عمومی*، سال ۹، شماره ۳۰، صص. ۱۱۶-۹۵.
- توکلی، هدیه (۱۳۹۱). *مؤلفه‌های اصل امنیت حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- خلیل‌پورچالکیاسری، سیدعباس (۱۳۹۹). سیاست تقنینی کیفری ایران در قبال تأمین امنیت کودکان در فضای مجازی، *حقوق کودک*، شماره ۵، صص. ۱۸۷-۱۶۳.
- روشن، محمد (۱۴۰۰). *حقوق خانواده*، تهران: انتشارات جنگل.
- سلطانی، عباس‌علی (۱۴۰۱). نگره قاعده‌نگاری انصاف با رویکرد به ادبیات فقه امامیه، *آموزه‌های فقه و حقوق جزا*، شماره ۱، صص. ۷۷-۹۰.

- صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۹). *مسئولیت مدنی، الزامات خارج از قرارداد*، تهران: انتشارات سمت.
- صیاد، محمدکاظم؛ امینی، آرمین و طاهری، ابوالقاسم (۱۳۹۹). *تهدیدهای سایبری و اقدامات امنیتی در فضای مجازی؛ بررسی رویکردهای ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی*، سال ۱۰، شماره ۳۸، صص. ۱۵۱-۲۸۸.
- فیض، محمد و خدانی، سیدپدرام (۱۳۹۹). *قاعده استایل و امنیت در معاملات و روابط حقوقی، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۱۲، شماره ۴، صص. ۱۵۱-۱۶۱.
- قراملکی، علی‌مظهر و دادخواه، علی (۱۳۹۲). *پژوهشی پیرامون قاعده عدل و انصاف، پژوهش‌های فقهی*، دوره نهم، شماره ۱، صص. ۱۰۵-۱۱۸.
- قنبری‌جهرمی، محمدجعفر و عبداللہی، سیدمحمدعلی (۱۴۰۰). *امنیت حقوقی در نظام حل اختلافات سرمایه‌گذاری بین‌المللی، مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۱، شماره ۱، صص. ۱۹۱-۲۱۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). *عدالت و حقوق بشر، مطالعات حقوق خصوصی*، سال ۳۷، شماره ۳، صص. ۳۲۳-۳۳۱.
- محبی، محسن و امینی، اعظم (۱۳۹۳). *اصل انصاف و طرفیت قاعده‌سازی آن در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، نشریه حقوقی بین‌المللی*، شماره ۵۱، صص. ۹-۴۰.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). *قواعد فقهی*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مسعودیان، محسن (۱۳۹۱). *نقش پلیس در پیشگیری از جرایم سایبری و تأمین امنیت در فضای مجازی، انتظام اجتماعی*، شماره ۱، صص. ۱۰۳-۱۲۵.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). *قاعده لاضرر، ترجمه القواعد الفقهیه*، قم: نشر امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- ملکوتی، رسول و خلیل‌زاده، مونا (۱۴۰۱). *راهکار حقوقی تأمین امنیت سایبری، نشریه رسانه*، شماره ۱۲۶، صص. ۶۹-۹۸.
- موسوی، سیدفضل‌الله و موسوی‌فر، سیدحسین (۱۴۰۰). *امنیت حقوقی در حقوق بین‌الملل؛ مفهوم و جایگاه، مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۵۱، شماره ۲، صص. ۶۴۷-۶۵۹.

- موسوی بجنوردی، سیدمحمدبن حسن (۱۴۰۱). قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه عروج.
- میرشکاری، عباس؛ حسینی، فاطمه سادات و صمدی، افروز (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی روش ارزیابی عدم النفع با تأکید بر رویه قضائی ایران، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۱۷، شماره ۱۲۳.
- میرهاشمی، زهرا (۱۳۹۱). قاعده غرور و تدلیس در پرتو وحدت قواعد مسئولیت - برگرفته از نظر امام خمینی - در کتاب البیع، پژوهش نامه متین، شماره ۵۷، صص. ۱۵۳-۱۶۶.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰). امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی، *راهنما*، شماره ۵۸، صص. ۹۵-۱۳۰.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۵). تعهدات دولت در تضمین امنیت حقوقی نهاد خانواده و حمایت از آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در پرتوی مطالعه تطبیقی با کشورهای مالزی، ترکیه و آلمان. رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- هاشمی، محمد (۱۳۹۰). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی. تهران: میزان.